

## موج جدید سریال سازی در بستر تاریخ و داستان

# سینما و ادبیات؛ شانه به شانه هم در شبکه نمایش خانگی



رمانی تحسین شده که تاکنون ۲۶ بار تجدید چاپ شده است و داستانی جذاب را در همان دنیای مآلوف مسعود کیمیایی روایت می‌کند. البته کیمیایی تنها نویسنده و کارگردان قدیمی این عرصه نیست و بهمن فرمان‌آرا هم ظاهر رویای سالیان درازش یعنی ساخت سریال براساس رمان «داستان جاوید» اسماعیل فصیح‌راد است گرفته و این روزها با جدیت دنبال این کار است. اگر رویای همیشگی داریوش مهرجویی برای ساخت سریالی براساس «همسایه‌ها» ی احمد محمود را هم کنار این موارد بگذاریم - که ظاهر در شبکه نمایش خانگی نزدیک تر و در دسترس تر از هر زمان دیگری شده - یعنی یک موج جدیدی در راه است که همان قدر که برای هواداران سینما خبری نویدبخش است، برای هواداران ادبیات و سینمای اقتباسی هم کنج‌گاو می‌تواند باشد. موج تسخیر خانه‌های مخاطبان با سریالی‌هایی که در خط اصلی داستانی شان از شماری از بهترین و پرخواننده‌ترین رمان‌های ادبیات معاصر این سرزمین الهام گرفته‌اند.

**امین فرج‌پور، شهروند** در هفته‌های اخیر رسانه‌های هنری از اقبال مخاطبان از سریال «باغی» نوشته‌اند که ظاهر از رمان «سالتو» ی مهدی افروزش اقتباس شده است. چند ماه پیش هم این اتفاق برای سریال «زخم کاری» روی داده بود که اقتباسی بود از رمانی به نام «بیست زخم کاری» نوشته محمود حسینی‌زاد. سریالی که بیراه نیست اگر آن را پرهودا ترین سریال دوسه سال اخیر در شبکه نمایش خانگی بنامیم. همزمان با این دو سریال؛ در نشریات سینمایی و هنری نام سریال‌های دیگری نیز شنیده می‌شود که ظاهر با اقتباس از ادبیات داستانی این سرزمین جلوی دوربین خواهند رفت. یکی از این سریال‌ها «خون خورده» است، براساس رمانی به همین نام از مهدی یزدانی خرم. دیگری سریالی است که می‌گویند نگرش آبی با اقتباس از «سووشون» سیمین دانشور در تدارک ساخت آن است و آن دیگری هم سریالی است که گفته می‌شود مسعود کیمیایی به احتمال زیاد با اقتباس از رمان «جسد‌های شیشه‌ای» خودش خواهد نوشت و خواهد ساخت.

تصمیم می‌گیرند، نه شناختی از ادبیات دارند، نه از سینما و نه حتی از مخاطب. کسانی که آمده‌اند نسق کشتی کنند و کاری کنند که حساب کار دست فعالان هنری بیاید و بفهمند که رئیس کیست! این رویکرد البته منحصر به امروز نیست و در دوره‌های مختلفی در گذشته هم شاهد این جریان بوده‌ایم. با این تفاوت که در موارد قبلی بالاخره بعد از گذشت چند ماه اوضاع عادی می‌شد، ولی این بار ظاهر قدرت‌نمایی دوستان تمام‌شدنی نیست و هنوز و همچنان ادامه دارد.

● **ماجرای سختگیری‌های ماه‌های اخیر البته تنها شامل این جریان اقتباسی نمی‌شود و باعث توقیف تقریباً همزمان «شهرک کلیده و دمنه»، «برادران لیلا» و «تاتر مخاطب» در یک بازه زمانی کوتاه و در سه عرصه کاملاً متفاوت شده است. این را قبول دارید؟**

این بحث دو بخش مختلف را شامل است. اول اینکه به هر حال بخشی در سینما و تلویزیون که پیش از این فیلمنامه‌نویسی را در اختیار داشتند، زیاد مایل به ورود نویسندگان به این وادی نیستند. با این حال، این را کتمان نمی‌توان کرد که حداقل از سوی برخی از تهیه‌کنندگان فرهیخته‌تر و البته شاید هم باهوش‌تر این میل به همکاری وجود داشت. ولی حالا دیگر چون سیاست کلی مقابله با این جریان تعیین شده، ظاهر باید پایان این روند را اعلام کرد که از «خون خورده» من آغاز و بعدتر با «زخم کاری» و «باغی» و... ادامه پیدا کرده بود.

● **ظاهراً نگاه حسرت‌خوار و ناامیدانه‌ای به جریان اقتباس در سریال سازی دارید.**

چون موفقیت خیلی نزدیک بود که جلوی گرفته شد. حتی می‌توانم بگویم که در فاز اول کاملاً موفق شده بودیم که البته بخش عمده‌ای از آن هم مدیون استقبال فوق‌العاده‌ای بود که از سریال «زخم کاری» به عمل آمد. سریالی که با تمام ضعف‌ها و قوت‌هایش بسیار محبوب و پربیننده شد که دلیلش هم ساده بود؛ به هر حال یک خط داستانی درست داشت، قصه‌ای داشت، درام درستی داشت. همه اینها را اما درگیری داخلی صداوسیما و وی اودی‌ها از بین برد و حالا با برخورد‌هایی که پیش آمده، بسیاری از تهیه‌کنندگان به این نتیجه رسیده‌اند که خود را از این دعوائی که برای بیرون کردن وی اودی‌ها از عرصه رقابت با صداوسیما در گرفته، دور نگه دارند و این ناراحت‌کننده است. البته نه به خاطر کارهای خودم. نه، چون من به هر حال در وهله اول نویسنده‌ام. اما اگر اندکی، فقط اندکی خرد وجود داشت، این موانع موجود به سرعت برطرف می‌شد و اجازه می‌دادند قصه‌های خوب ساخته شود که هم به نفع ساختار حاکمیت است، هم به نفع مردم است و هم به نفع هنرمندان و سریال‌سازان. ولی حالا به جایی رسیده‌ایم که هم کار روی سریال‌های اقتباسی متوقف شده، هم خرید کتاب برای اقتباس متوقف شده و هم کلاس‌های سریال سازی در توقف قرار دارد. آن هم در حالی که وضعیت واقعا داشت خوب پیش می‌رفت. یعنی فقط هفت کتاب، فقط در نشر چشمه در آستانه انعقاد قرارداد بودند و پیش‌قراردادشان امضا شده بود. اما هر هفت قرارداد الان معلق هستند، چون تهیه‌کننده هیچ چشم‌اندازی ندارد. اما مسأله این است که نه گوش شنوایی وجود دارد و نه نهاد پاسخگویی، چنان که می‌بینیم در حال حاضر چهار نهاد مختلف موازی با هم تصمیم‌گیری می‌کنند و در عین حال همدیگر را نقد هم می‌کنند و علیه هم بیانیه می‌دهند و در ادامه هم فضا امنیتی می‌کنند.

● **خب چه باید کرد؟**  
هیچ. تاریخ نشان داده وقتی اوضاع چنین بحرانی است، تنها باید سکوت کرد، کار کرد و منتظر بود.

## سقوط دردناک جذابیت در دعوائی «ساترا» و «وی اودی»ها!

جریان ناکام اقتباس از آثار داستانی در گفت‌وگوی «شهروند» با نویسنده رمان «خون خورده»



بسیار فراتر از این موضوع است. چیزی مثل بودن یا نبودن. چنانچه می‌بینیم در همین چند روز اخیر کار خانم پرومندا راممنوع کرده‌اند، خیلی از کارها در مرحله پیش تولید خوابیده، هیچ مجوز جدیدی برای سریال صادر نمی‌شود و در کل شاهد فعالیت چندانی در این عرصه نیستیم.

● **چرا؟**  
شاید بشود گفت هدف اصلی این روند از بین بردن یا تضعیف وی اودی‌ها و تقویت تلویزیونی است که نمی‌خواهد باور کند با ادامه این رویکرد دیگر هیچ جذابیتی برای مردم ندارد. برای همین هم در شرایطی که مثلاً «باغی» این روزها به شدت مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته یا «زخم کاری» پربیننده‌ترین سریال شبکه نمایش خانگی در یکی دو سال اخیر بوده، شاهد مخالفت‌های عربانی با این جریان می‌شویم و می‌آیند مثلاً جلوی کارهایی را که قرار بوده از روی رمان‌ها تولید شوند - از جمله رمان «خون خورده» خودم - می‌گیرند. رویکردی که باعث شده در این چند ماه اخیر تهیه‌کنندگان تقریباً همه مردد شده باشند و با هر کدام از آنها که صحبت می‌کنیم، بگویند که نمی‌خواهند کار کنند و اینکه این فضا خوابیده. پس برمی‌گردم به پرسش اول شما و تا تأکید و صراحت بیشتری می‌گویم که بله، آن جریان واقعا داشت شکل می‌گرفت، ولی کاملاً جلویش را گرفتند و به هیچ کس هم پاسخگو نیستند.

● **شما خودتان به عنوان یک نویسنده و البته منتقد روزنامه‌نگاری که سالیان سال در فضای هنری این سرزمین بوده‌اید، چه تحلیلی از مخالفت‌های موجود با این جریان دارید؟ آیا به نظر‌تان این یک مخالفت و مانع‌گذاری سختگیرانه عمومی است یا اینکه مشکلی خاص با عرض اندام ادبیات و نویسندگان در محصولات نمایشی وجود دارد؟**

اوضاع جوری است که آدم فکر می‌کند کسانی که این روزها درباره مسائلی از این دست در فضای فرهنگی و هنری کشور

به بلتفرم‌های عرضه آنلاین محصولات نمایشی منتشر می‌شد، حکایت از رونق قابل توجهی در این فضای کرد.

کاملاً آن رونق در دسترس بود، ولی حالا در پی برخوردهای اخیر و بی‌ثباتی حاصل از آن، هم روند فروش کتاب‌ها - برای اقتباس - که شروع شده بود، به خصوص در نشر چشمه، دچار توقف کامل شده و در واقع به صفر رسیده است. دلیلش هم بی‌میلی تهیه‌کنندگان به ادامه این روند است که همان طور که گفتیم طبیعی هم هست.

● **یعنی حتی تهیه‌کنندگانی هم که بارها شرایط مشابهی را دیده‌اند و خوب آگاه‌اند که این فشارها موقتی است و - بالاخره بعد از چند وقتی دوباره فضا باز خواهد شد و آن کنترل سفت و سخت کاهش خواهد یافت - در مقابل فشارها کوتاه آمده‌اند و جریانی نویدبخش مانند این جریان جدید اقتباس را بی‌پشت و پناه رها کرده‌اند؟**

به هر حال تهیه‌کننده به خصوص در زمینه سریال سازی که با سرمایه به مراتب بیشتری در قیاس با فیلم سروکار دارد، به دنبال فضای شفاف و باثبات است و در شرایطی که هیچ کس از قرداد خود خبر ندارد و نمی‌داند امروز چه اثری را می‌شود ساخت و کدام رانه و البته ساخته شده‌ها را هم فردا روزی آیا می‌شود به نمایش گذاشت یا نه، طبیعی است که تهیه‌کننده دست و دلش بلرزد و نخواهد دنبال این کار را بگیرد.

● **پس با این حساب جریانی که به نظر می‌رسید می‌تواند بسیاری از معضلات و کاستی‌های محصولات نمایشی این سرزمین را رفع کند، خود درگیر یک بحران تمام عیار شده است. درست است؟**

حتی شاید بدتر. یعنی اینها همه باعث شده که مسائل از اقتباس و جریان جدید اقتباس در سریال سازی فراتر رود. به عبارت بهتر دیگر بحران این روزهای ما مسأله اقتباس نیست،

«خون خورده» نوشته مهدی یزدانی خرم یکی از رمان‌هایی است که در سال‌های اخیر به عنوان منبع اقتباس سریال‌های شبکه نمایش خانگی نامش سر زبان‌ها افتاده. داستانی در بستر تاریخ معاصر که قرار بود موفقیت «زخم کاری» را تکرار کند. اما فعلاً متوقف مانده و آنطور که مهدی یزدانی خرم می‌گوید هفت ماه است کسی پاسخی به آنها نمی‌دهد.

آنچه به دنبال می‌آید، گفت‌وگوی «شهروند» است با مهدی یزدانی خرم، نویسنده رمان‌های «به گزارش اداره هواشناسی: این خورشید لعنتی»، «من منچستر یونایتد را دوست دارم»، «سرخ سپید» و «خون خورده» درباره جریانی که می‌شد با اقتباس ادبی در سینما و دنیای سریال سازی ایران ایجاد شود.

● **به نظر شما اینکه چندین و چند سریال همزمان با اقتباس از آثار داستانی معاصر جلوی دوربین بروند - یا در شرف آغاز باشند - حکایت از یک جریان فکر شده و درست در این زمینه می‌کند یا اینکه این نیز مانند تمام کوشش‌هایی که در این زمینه در سینمای ایران شاهد بوده‌ایم، مجموعه‌ای از تلاش‌های منفرد است که به تصادف همزمان شده‌اند؟**

قطعاً حکایت از یک جریان می‌کند. البته بهتر است بگویم حکایت از یک جریان می‌کند و می‌شد این اتفاقات پشت سرهم را به عنوان نقطه آغاز یک جریان تعریف کرد. ولی حالا با اتفاقاتی که افتاده، می‌توان گفت که این جریان در همان نقطه آغاز قطع خواهد شد که البته همین الان هم قطع شده است. در واقع شورای نظارت ساترا - یا هر نام دیگری که دارد - کاملاً با تمام قدرت جلوی این قضیه ایستاده و از پیشرفت امور جلوگیری می‌کند.

● **با این حال طبق اخبار همین حالا حداقل پنج سریال مختلف که همگی از آثار ادبی اقتباس شده‌اند، در مراحل مختلف پیش تولید و حتی برخی هم فیلمبرداری قرار دارند. درست است، ولی به این موضوع توجه کنید که سرمایه و سرمایه‌گذار در هر عرصه‌ای به خصوص در فضای فرهنگ و هنر دنبال ثبات و برنامه‌ریزی می‌گردد. یا اینکه بتواند برای ماه‌ها و سال‌های آینده‌اش برنامه داشته باشد و مثلاً بداند فلان کار را چه زمانی و برای توزیع و نمایش در چه زمانی می‌خواهد تولید کند. در وضعیت بی‌ثبات فعلی اما هیچ اتفاقی در این زمینه نخواهد افتاد و همین است که می‌بینیم این جریانی که آغاز شده بود و داشت به جاهای خوبی هم می‌رسید، کاملاً متوقف شده است.**

● **ولی اخباری که در ماه‌های اخیر درباره فروش حق اقتباس یکسری رمان**

